



**The capacity of Saudi Arabia in regional pacifism
(with emphasis on the agreement between Iran and Saudi
Arabia)**

Vahid Ozeiri¹

Hassan Lasjerdi²

Abstract:

In recent years, whenever the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia are mentioned, the minds first notice the conflicts and enmities between the two regional powers. Conflicts that are not constructive for any of the two neighboring countries. Saudi Arabia, having unique religious, financial, geopolitical, etc. capacities, has been able to play a very prominent role in the trends and processes of the West Asian region.

Saudi Arabia has always had an undeniable influence in the countries of the region and among its politicians, from Pakistan and the Persian Gulf countries to Egypt, Lebanon, and Djibouti. Now the main question is, what is the capacity of Saudi Arabia in the direction of regional peace? The short answer is that we can expect the region to withdraw from the playing field of extra-regional powers, reduce wars and purchase weapons, help in the reconstruction of the countries in the region, help in facilitating trade and economic exchanges, etc. The current research is analytical-descriptive and has a fundamental nature. The tool for collecting information is the library method. Qualitative analysis method has been used to analyze the findings and final conclusions.

Key words: geography of peace, Saudi Arabia, J.A. Iran and pacifism.

¹ MA in International Relations from Allameh Tabatabai University, Iran.

v.ozeiri@gmail.com

² Ph.D. in Political Science from the University of Science, Research and Technology, Iran.

hlasjerdi@yahoo.com



ظرفیت عربستان سعودی در صلح گرایي منطقه‌ای
(با تاکید بر توافق ج.ا.ایران و عربستان سعودی)

وحید عذیری^۱ - حسن لاسجردی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

چکیده

در سالیان اخیر هر زمانی که سخن از جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به میان آمده، نخست ذهن‌ها متوجه درگیری‌ها و دشمنی‌ها و قدرت منطقه‌ای شده است. درگیری‌هایی که برای هیچ یک از دو کشور همسایه سازنده نیست. عربستان سعودی با دارا بودن ظرفیت‌هایی بی‌نظیر مذهبی، مالی، ژئوپلیتیکی و ...، قادر به ایفای نقشی بسیار پررنگ در روندها و فرایندهای منطقه غرب آسیا گردیده است. به طوری که عربستان سعودی همواره در کشورهای منطقه و در بین سیاستمداران آن نفوذ غیرقابل انکاری از پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس تا مصر لبنان و جیبوتی داشته است. حال سوال اصلی این است که ظرفیت‌های عربستان سعودی در راستای برقراری صلح منطقه‌ای، چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که عربستان می‌تواند با خروج از زمین‌بازی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، کاهش جنگ‌ها و خرید تسلیحات، کمک به بازسازی کشورهای منطقه، کمک به تسهیل مبادلات تجاری و اقتصادی و ... در جهت صلح منطقه‌ای اقدام نماید. پژوهش پیشرو، تحلیلی-تبیینی است و ماهیتی بنیادی دارد. ابزار گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری نهایی از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

V.ozeiri@gmail.com

^۲ دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

واژگان کلیدی: جغرافیای صلح، عربستان سعودی، ج.ا.ایران و صلح گرایي.

مقدمه

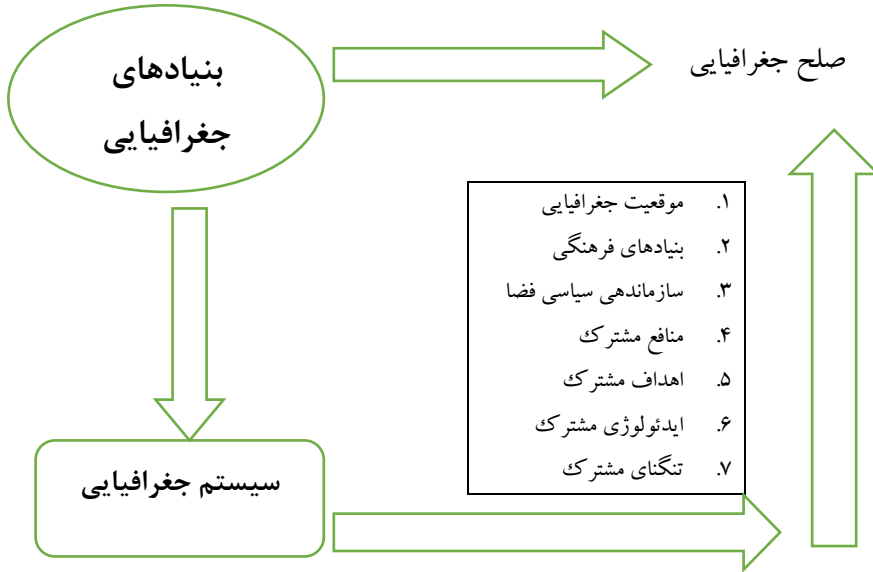
غرب آسیا همواره به عنوان منطقه‌ای با چالش‌های متعدد و تحولات پرشتاب و بی-ثبات شناخته شده است. حمله صدام به کویت، تهاجم نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، منازعات و کشاکش‌های بین محور مقاومت با رژیم صهیونیستی، خیزش مردمی جهان عرب و بحران‌های متعدد در سراسر منطقه، از جمله مسائل و تحولاتی بوده‌اند که باعث تشدید رقابت‌ها و منازعات و افزایش بی‌ثباتی در منطقه شده است. در چنین فضایی غرب آسیا برخلاف اغلب مناطق جهان، نتوانسته است به سمت شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای مناسب برای مدیریت منازعات و بحران‌ها حرکت کند. عربستان در طول دهه‌های متوالی به افزایش ظرفیت‌ها و اثرگذاری منطقه‌ای خود در خاورمیانه مبادرت کرده است. رویکرد سیاست خارجی عربستان در سال‌های اخیر و به خصوص بعد از به قدرت رسیدن ملک سلمان، با تغییرات مهمی روبه‌رو شده است و نقش عربستان از کشوری طرفدار حفظ وضع موجود با رویکرد محافظه-کارانه به کشوری دارای تمایلات تجدیدنظرطلبانه در خصوص شرایط منطقه‌ای تغییر یافته است. این واقعیت نشانگر آن است که در بررسی و تحلیل نظم منطقه‌ای کنونی در خاورمیانه و ارزیابی آینده آن، ارائه تبیینی مناسب از رویکرد عربستان سعودی در قبال مسائل و روندهای منطقه و ارزیابی اثرات ریاض بر صلح و نظم منطقه‌ای، به عنوان یکی از متغیرهای کلیدی محسوب می‌شود (بروجردی و عبداللهیان، ۱۴۰۱: ۸۷). حال جهت بررسی دقیق‌تر این ظرفیت‌ها سوال اصلی این است که ظرفیت‌های عربستان سعودی در راستای برقراری صلح منطقه‌ای چیست؟ فرضیه در پاسخ این است که می‌توان، خروج منطقه از زمین‌بازی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در جهت امتیازگیری، کاهش جنگ‌ها و خرید تسلیحات، کمک به

بازسازی کشورهای منطقه، کمک به تسهیل مبادلات تجاری و اقتصادی و ... را انتظار داشت.

مبانی نظری

امنیت و صلحی پایدار به‌نوبه خود، موجب ثبات و رشد و پیشرفت کشورها می‌شود؛ بنابراین، در یک تعامل دو سویه، می‌توان می‌گفت: همکاری و همگرایی در یک منطقه جغرافیایی در تمام زمینه‌ها با تولید امنیت و صلح رابطه مستقیم دارد. از این‌رو، شناسایی زمینه‌های جغرافیایی‌های شامل مؤلفه تمام‌های طبیعی و انسانی همچون ایدئولوژی، موقعیت جغرافیایی، تنگناهای مشترک، اهداف مشترک و ... برای گسترش همکاری از ضرورت‌هاست. جغرافیا آن جوهری است که در هر گونه صلحی (نظریه یا عمل)، بنیاد است و کمک می‌کند تا اصول کمتر تغییرپذیر فیزیکی در حوزه انسانی ورود پیدا کند و از پایداری آن بهره‌مند شد. بنابراین، صلح زیربنای جغرافیایی نقش دارد و آن (جغرافیا) در صلح از برجستگی خاصی برخوردار است. در این پیوند، در بعد جغرافیایی، پنج اصل وجود دارد که باید در نظر داشت: ۱. اصل همزیستی؛ مسالمت‌آمیز با همسایگان؛ اصل احترام متقابل در همه سطوح؛ ۲. پرهیز از تنش‌ها و زدودن یا کمرنگ نمودن منابع تنش و مشاجره به‌ویژه در سطح منطقه‌ای؛ ۳. اعتمادسازی متقابل. روشن‌تر اینکه تلاش برای رسیدن به دیدگاه واحد ژئوپلیتیک یعنی همسویی و همگرایی منطقه‌ای؛ ۴. گرایش به سمت ایجاد اتحادیه منطقه‌ای در فرآیند آرام و تدریجی و بدون انقطاع. وزن این اصول زمانی برجسته می‌شود که توجه کنیم: الف: همسایگی در جغرافیای سیاسی جبری است. ب: دین و مذهب ثابت هستند. ج: و زبان از وجه پایداری برخوردار است (کریمی پور، ربیعی و بزله، ۱۳۹۶: ۸۲). در این راستا، بنیادهای جغرافیایی صلح برای درک بیشتر در چارچوب مدل مفهومی زیر نشان داده می‌شود و در ادامه تلاش خواهد شد تا تک‌تک پایه‌های آن مورد بررسی قرار گیرد.

شکل ۱: مدل مفهومی: بنیادهای جغرافیایی صلح



منبع: (کریمی پور، ربیعی و بزله، ۱۳۹۶: ۸۲)

بر اساس آنچه ذکر شد، می‌توان از دیدگاه صلح جغرافیایی به بررسی نزدیکی روابط عربستان سعودی و ج.ا.ایران به یکدیگر در راستای صلح‌گرایی منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی پرداخت.

ظرفیت‌های مؤثر عربستان سعودی در صلح‌سازی منطقه‌ای

بدون شک در بررسی ظرفیت‌های یک کشور در یک منطقه می‌توان به عوامل مادی و غیر مادی آن توجه کرد. در ادامه به بررسی ظرفیت‌های عربستان از این دو حیث پرداخته خواهد شد.

الف: حرمین شریفین و ایفای نقش رهبری در جهان اسلام

عربستان به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، دارای منابع مادی و معنایی قدرت می‌باشد. عربستان از جایگاه و وزن ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر برجسته‌ای در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس بهره‌مند می‌باشد. موقعیت جغرافیایی، دسترسی به تنگه‌های باب‌المندب و هرمز، دریای سرخ، خلیج فارس، اتحاد با قدرت‌های بزرگ (آمریکا) باسابقه‌ای بیش از نیم‌قرن، وجود منابع و ذخایر نفتی، قرار گرفتن اماکن مذهبی در این کشور به صورت بالقوه، باعث اهمیت و نفوذ عربستان در سایر کشورهای اسلامی و علی‌الخصوص کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه شده است. به عبارتی، عربستان دارای منابع متعددی از قدرت نرم و سخت می‌باشد، بنابراین جایگاه و وزن عربستان در تحول‌های منطقه خلیج فارس و خاورمیانه با ابتناء به مؤلفه‌های فوق‌الذکر مشخص می‌شود. از سوی دیگر به علت قرار گرفتن شهرهای مکه و مدینه در عربستان و ادعای آن کشور در خصوص رهبری جهان عرب و جهان اسلام و پیوندهای راهبردی با غرب و به‌ویژه آمریکا، به صورت طبیعی کشوری تأثیرگذار در تحول‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود (افضلی و نجفی، ۱۳۹۷: ۱۰). به عبارتی مهم‌ترین عامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی عربستان، وجود حرمین شریفین در شهرهای مکه و مدینه است. این دو مکان مقدس برای مسلمانان، عربستان را در کانون توجه مسلمانان قرار داده است. علاوه بر آنکه سالیانه درآمد زیادی از طریق زائرین مکان‌های مذهبی عاید دولت عربستان می‌شود، به لحاظ سیاسی و فرهنگی موقعیتی ویژه را برای عربستان ایجاد کرده است. این کشور بین مسلمانان، ادعای رهبریت جهان عرب و اسلام را دارد و با پشتوانه ثروت عظیم خود که به برکت ذخایر نفت حاصل گردیده است، امتیازات سیاسی فراوانی را به دست آورده است (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۲۲۶-۲۲۵).

ب: نفوذ و عضویت در مجامع و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

بی‌تردید، عربستان سعودی قدرت نفوذ و نقش رهبری جهانی خود را نه تنها

در زمینه نفت، مواد هیدروکربن و اقتصاد بین‌الملل اعمال می‌کند، بلکه برای ایفای نقش خود در ثبات و صلح خاورمیانه، به دنبال بهره‌مندی از آن است. سرمایه‌گذاری قدرت نفوذ عربستان سعودی جهت مدیریت مسلمانان (اهل سنت)، نقش آن را در سیاست‌های بین‌المللی تثبیت کرده است (Grumet & zyliowicz, 2015:61). عربستان در تلاش است نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه به مدت طولانی گسترش و اثبات کند و همواره خشونت و استفاده از دیگر ابزارهای مخالف با صلح و امنیت بین‌المللی را نکوهش کرده است (Alanazi, 2015: 42). علاوه بر این پادشاهی سعودی با عضویت و همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نشان دادن خود به عنوان یک کشور متعهد و قابل اعتماد در روابط دیپلماتیک دارد. این کشور از این مجرای دیپلماتیک برای برقراری ارتباطات ملی و بین‌المللی و همین‌طور گسترش و نیل به اهداف سیاست خارجی در بستر قدرت نفوذ و تأثیرگذاری خود را دنبال می‌کند. در واقع، عربستان سعودی همواره تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای معرفی و انتشار تصویر مثبتی از پادشاهی در سرتاسر جهان دنبال و گسترش داده است و از مزیت و جذابیت بهره‌مندی از مقدس‌ترین اماکن اسلامی و پول‌های حاصل از فروش نفت به عنوان ابزارهای ارتقای دیپلماسی خود استفاده کرده و عمدتاً کمک‌های مالی و اقتصادی زیادی را به سازمان‌ها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی که در آن عضو هستند اعطا می‌کنند و از این طریق به دنبال کسب مطلوبیت و نیل به اهداف سیاست خارجی خود در قالب این سازمان‌ها می‌باشند (پوراحمدی، قیاسی و قائمی، ۱۴۰۰: ۱۰۴). عربستان سعودی با توجه به منابع غنی و عضویت در مجامع منطقه‌ای (حتی ریاست آن) و مجامع بین‌المللی، از چنان وزنه‌ای برخوردار است که کشورهای منطقه خلیج فارس که در حوزه قدرت و نفوذ معنوی این کشور قرار دارند، می‌تواند تأثیر بسزایی در جهت نزدیکی این کشورها به ج.ا.ایران و روند صلح‌گرایی منطقه‌ای داشته باشد.

پ: موقعیت خاص ژئوپلیتیک

عربستان سعودی کشوری واقع در غرب آسیا است که با وسعت ۲ میلیون و ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین کشور شبه جزیره عربی، چهارمین کشور بزرگ آسیا و سیزدهمین کشور بزرگ جهان محسوب می‌شود. این کشور از شمال به اردن و عراق و از جنوب به جمهوری یمن و عمان و از شرق به کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی و خلیج فارس و از غرب به دریای سرخ محدود می‌شود. عربستان سعودی ۴۴۳۱ کیلومتر مرز زمینی با همسایگان و ۲۶۴۰ کیلومتر خط ساحلی با خلیج فارس و دریای سرخ دارد (محمدی آشنانی، ۱۳۸۱: ۳۴). مساحت این کشور بخش بزرگی از شبه جزیره عربی یعنی حدود ۸۵ درصد آن را تشکیل می‌دهد. موقعیت عربستان سعودی و دسترسی آن به آب‌های آزاد در غرب از طریق دریای سرخ و در شرق از طریق خلیج فارس، این امکان را فراهم کرده است تا از دو طرف سرزمین خود برای حمل‌ونقل‌های دریایی و واردات و صادرات استفاده کند (نصیری، ۱۳۸۶: ۱).

موقعیت جغرافیایی عربستان در منطقه جنوب غرب آسیا، وسعت و پهناوری آن به عنوان سیزدهمین کشور جهان، دسترسی به خلیج فارس و دریای سرخ، قرار گرفتن در مسیر سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، اتصال قاره آفریقا و آسیا به یکدیگر و رفت‌وآمد اقوام و ملل مختلف به آن، این کشور را برخوردار از اهمیت منطقه‌ای و جهانی کرده است. دسترسی این کشور به آب‌های آزاد جهان، با وجود اتصال به دو شاهراه حیاتی خلیج فارس و دریای سرخ، تنها با عبور از دو تنگه استراتژیک هرمز و باب‌المندب امکان‌پذیر است. دارد (محمدی آشنانی، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۳). عامل مؤثر بر روابط خارجی عربستان، موقعیت ژئوپلیتیک این کشور و واقع شدن میان دو آبراه مهم و حیاتی یعنی خلیج فارس و دریای سرخ است. این موقعیت استراتژیک عربستان امکان برقراری ارتباط این کشور با سراسر منطقه را از طریق دریا فراهم کرده، توانایی صدور آسان نفت را به عربستان داده است. از سوی دیگر، عربستان به

دلیل قرار گرفتن در قلب ژئوپلیتیک انرژی جهان و ژئوپلیتیک اسلامی در منطقه حساس خاورمیانه، قابلیت تأثیرگذاری بیشتری در سیاست بین‌الملل را به دست آورده است (جاودانی مقدم و حریر فروش، ۱۳۹۶: ۶۱). از سوی دیگر، بررسی ژئوپلیتیک عربستان نشان می‌دهد که موقعیت ژئوپلیتیک عربستان سعودی در خاورمیانه و خلیج فارس همواره سبب توجه قدرت‌های بزرگ به این کشور شده است. از یک سو، دسترسی به خلیج فارس و دریای سرخ و از سوی دیگر در اختیار داشتن یک پنجم ذخایر نفت جهان همواره این کشور را در موقعیتی ممتاز از دیگر کشورهای خلیج فارس (به‌استثنای ایران) قرار داده است. قرار گرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان یعنی خلیج فارس و دریای سرخ به این کشور موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی بخشیده است؛ اما استفاده از هر دو آبراه یادشده مستلزم عبور از تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب است که تحت نفوذ ایران و یمن‌اند (موسوی شهیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۴). این موقعیت جغرافیایی سبب می‌شود که دسترسی و ارتباط عربستان در منطقه پتانسیل مناسبی برای پیشبرد صلح در منطقه باشد.

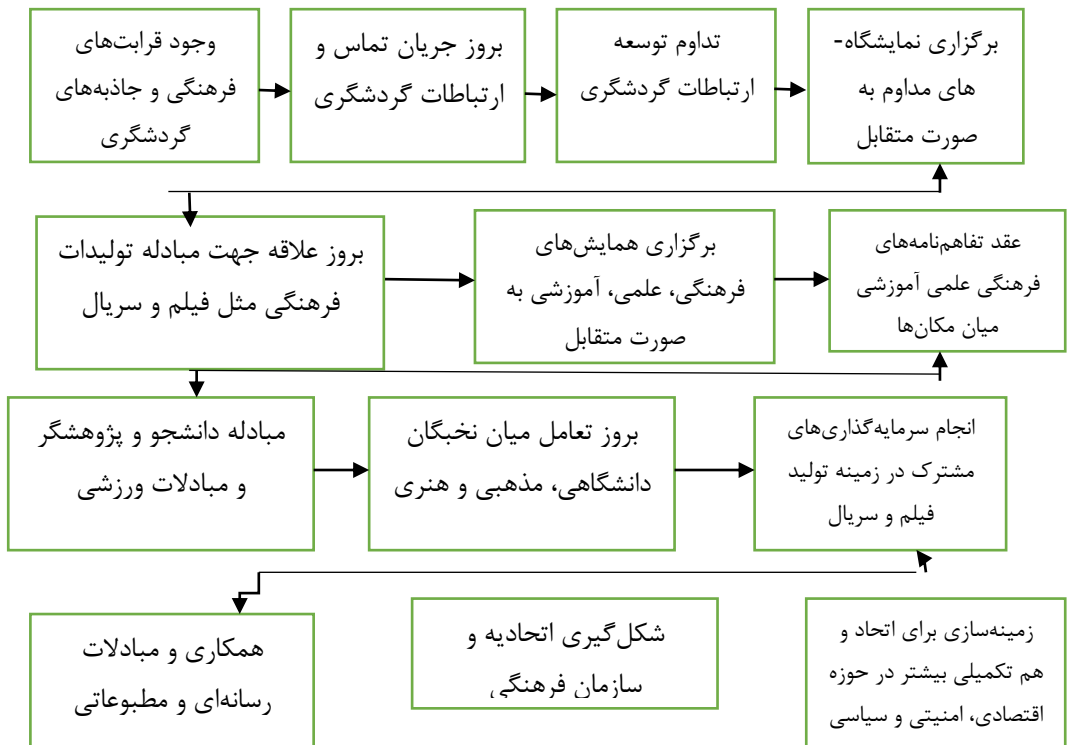
اشتراکات ایران و عربستان در چارچوب جغرافیای صلح

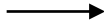
از منظر ژئوپلیتیکی و سنجش قدرت، ایران و عربستان به عنوان ساختارهای فضایی قدرتمند و برتر در منطقه‌ی خاورمیانه محسوب می‌شوند. این دو ساختار به دلیل مجاورت جغرافیایی و همزیستی در طول قرون متمادی، به تشکیل مجموعه‌ای از اشتراکات در بعد جغرافیای انسانی و طبیعی منجر شده است. از آنجا که اشتراکات جغرافیایی برخلاف اشتراکات دیگر، پایدارتر هستند و بسیار سخت به تغییرات تن در می‌دهند، از این رو، مبنا قرار دادن آنها به عنوان پایگاهی برای طرح همگرایی و همکاری در چارچوب صلح و همزیستی پایدار، منطقی‌تر و واقعی‌تر می‌نماید (Karimipour, 2009: 9). در این راستا، میان دو کشور ایران و عربستان با وجود پیوندهای تاریخی، وجود اشتراکات فرهنگی، استفاده از سرزمین ایران و عربستان برای اقتصادی‌ترین مسیر برای کشورهای منطقه برای رسیدن به آب‌های آزاد و

بازارهای

جهانی به دلیل محصور بودن بیشتر آن‌ها در خشکی و موقعیت مناسبی را برای ایران قرار داده است و باعث می‌شود قدمی برای وسعت روابط اقتصادی و همگرایی فراهم گردد (Harsij2008:26). یکی از راه‌های عملی برقراری صلح میان ایران و عربستان را می‌توان پیوندهای قومی و مذهبی نام برد که با داشتن ظرفیت گردشگری و قرابت فرهنگی و مذهبی یا چند کشور منطقه‌ی خاورمیانه است. همچنین ایران با نتایج بالای تولیدات علمی و نخبگان علمی، هویت فراملی و فرامرزی زبان فارسی، می‌تواند برای بدست آوردن شاخص‌های اقتصادی در کشور را به دست آورد. ایران بالاترین قدرت نرم‌افزاری و تسلط فرهنگی در منطقه جنوب غرب است که این امتیاز می‌تواند در تعاملات اقتصادی میان دو کشور در زمینه واردات و صادرات نقش بسزایی داشته باشد (al et ,olkaramig,2017:50).

شکل ۲: روند همگرایی ایران و عربستان در چارچوب بر مبنای اشتراکات فرهنگی





منبع: کریمی پور، ربیعی و یعقوبی، ۱۳۹۸: ۳۱۷).

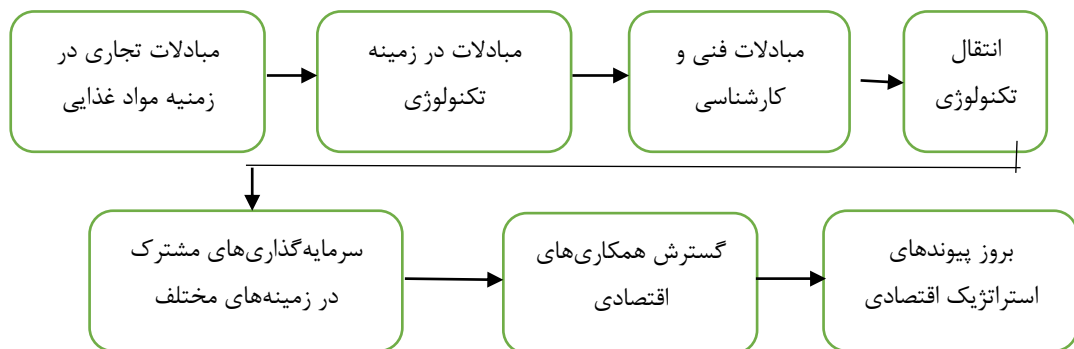
کدهای ژئوپلیتیکی به عنوان قطب‌نمای مناسبات خارجی کشورها، در جهت تأمین منافع کشورها عمل می‌کنند و کشورهای مختلف از این طریق می‌توانند در جهت تقویت وزن ژئوپلیتیک خود تلاش نمایند. به منظور بهره‌برداری حداکثری از علائق ژئوپلیتیکی باید استراتژی ژئوپلیتیکی مشخصی را در پیش گرفت تا با کمترین چالش با رقبای در ارتباط با علائق ژئوپلیتیک بسط و غیرقابل تقسیم، بتوان بیشترین سهم را از آن در جهت منابع ملی به دست آورد (Moshkbid, 2017: 205). این استراتژی مشخص ژئوپلیتیکی می‌تواند رویکرد جغرافیای صلح باشد. از سوی دیگر علائق ژئوپلیتیکی تصویری یا غیرواقعی، بستر و زمینه لازم را جهت به انزوا کشاندن سیستم‌های سیاسی فراهم می‌نمایند. کشورهایی که منابع خود را در جهت علائق ژئوپلیتیکی غیرواقعی هزینه نمایند، بسترسازی ضعف و انزوای خود را در بین سیستم‌های پویایی سیاسی فراهم نموده و درجه آنتروپی خود را افزایش می‌دهند. میزان فراروی علائق ژئوپلیتیکی تابع سطح قدرت کشورها است. چنانچه قدرت یک کشور در ابعاد مختلف رو به گسترش باشد، علائق ژئوپلیتیکی بسط یافته و حلقه آن‌ها در فضای جغرافیایی گسترش می‌یابد. بیشترین علائق ژئوپلیتیکی یک کشور در کشورهای همجوار آن است و به میزان فاصله از مرزهای ملی، میزان علائق ژئوپلیتیکی کاهش خواهد یافت. رقابت دو قدرت منطقه‌ای ایران و عربستان به همراه کنش‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشورهای لبنان، یمن، بحرین، سوریه، عراق و ...، نتیجه‌ای جز جنگ، تداوم بحران، آوارگی و کشتار بی‌گناهان و فقر و عقب‌ماندگی منطقه‌ای در پی ندارد (Aafcznih, 2016: 10). جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از کشورهای مدعی تمدن در خاورمیانه محسوب می‌شوند. از این رو، متغیر اشتراکات تمدنی نیز یکی از محورهای جغرافیایی است که

می‌تواند به روند همگرایی دو کشور، یاری رساند. در این راستا، کوشش دو کشور برای حل و فصل اختلافات ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی در منطقه ضروری می‌نماید. در واقع، در موقعیتی که جهان از لحاظ فناوری مالی، بدون مرز است و بر همبستگی‌های بشری به طور مملوس افزوده می‌شود، لازم است. دولت‌ها در ایران و عربستان، سیاست و رابطه خارجی خود را با شرایط تغییرپذیری هماهنگ کنند. شرایط نظام‌الملل به بین‌گونه‌ای است که خواسته یا ناخواسته همکاری و مذاکرات همزیستی تمدن‌ها را با یکدیگر الزامی سازد.

اگر اتخاذ سیاست تنبیه و تشویق برای تصیح مواضع غیر اصولی و در سیاست‌های خارجی در شرایط تاریخی تا حدودی لازم نظر می‌رسد، سیاست تنش‌زدایی چند اصل کلیدی عزت و حکمت و مصلحت را در بردارد. از بین بردن تنش در محدوده عزت و حکمت و مصلحت این معنی را دارد که سیاست خارجی سعی بر از بین بردن بدفهمی‌ها، از بین بردن تنش و مفاهمه در جمهوری اسلامی ایران در شاخص-های ذیل با از بین بردن تنش و مفاهمه در شرایط نظام دو قطبی آشتی‌پذیر کاربرد دارد، متفاوت است: از بین بردن تنش در عرصه بین‌الملل بر ضرورت پرهیز از مقابله ایدئولوژیک اصرار دارد؛ در صورتی که ویژگی اصلی سیاست خارجی ایران و عربستان ایدئولوژیک بودن است. تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل سعی دارد تا با ایجاد برقراری، وضع حال جهانی را حفظ کند، در حالی که سیاست خارجی ایران و عربستان به دلیل ذات آرمان‌گرایانه، تجدیدنظرطلب است. از بین بردن تنش در عرصه بین‌المللی دو طرفه است؛ هم سعی در نگهداری وضع اکنون جهانی است هم کوشش همه‌جانبه در جهت برقراری منافع ملی. در صورتی که از بین بردن تنش در سیاست خارجی ایران و عربستان یک سویه است (Azghandi, 2017: 30). لازم-ی گذار از یک‌سویه‌نگری به سمت تعقیب اهداف جمعی و مشترک، درک الزامات تغییرناپذیر در چارچوب همسایگی جغرافیایی است. در این زمینه، برقراری زمینه مناسبات گردشگری و سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی میان ایران و

عربستان، می‌تواند نقش مثبتی ایفا نماید. چراکه رشد فزاینده ارتباطات جهانی و گسترش تماس‌ها میان افراد، گروه‌ها و توسعه کمی مسافرت‌ها و جابجایی افراد و گروه‌ها در سطح جهان، خلاق فعالیت اقتصادی بسیار پراهمیتی موسوم به گردشگری در دنیای امروز شده است. اگرچه مهم‌ترین کارکرد صنعت گردشگری برای اغلب کشورها، کارکرد اقتصادی در زمینه اشتغال و درآمدزایی آن است، لیکن فعالیت گردشگری علاوه بر آن، نقش بارزی در عرصه ارتباطات و مبادلات فرهنگی دارد. روشن است که مبادلات و تماس‌های فرهنگی میان گروه‌ها و مناطق جغرافیایی، در طول زمان زمینه‌آشنایی ملت‌ها را با یکدیگر فراهم ساخته و از این طریق به فرایند تفاهم، صلح و ثبات بین کمک می‌کند. مسلماً افزایش تماس و ارتباطات میان افراد، گروه‌های ایران و عربستان به عنوان ساکنان مناطق مختلف جغرافیایی در قالب زمینه‌هایی چون گردشگری، ضمن فراهم ساختن امکان آشنایی افراد و گروه‌های دو کشور با الگوها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های یکدیگر، به نزدیکی و همکاری میان دولت‌ها و نهادهای سیاسی آنان منجر می‌گردد که این به نوبه خود به حل و فصل بسیاری از تنش‌ها و مخاصمات محلی و بین‌المللی انجامیده و باعث گسترش ثبات و امنیت در محیط داخلی ایران و عربستان و در یک کل بزرگ‌تر، محیط خاورمیانه می‌شود.

شکل ۴: همگرایی اقتصادی ایران و عربستان در چارچوب جغرافیای صلح



منبع: (کریمی پور، ربیعی و یعقوبی، ۱۳۹۸: ۳۱۹).

همچنان که در شکل فوق نشان می‌دهد، فرایند جغرافیای صلح درزمینه اقتصادی میان ایران و عربستان، نخست از با پایین‌ترین سطح همکاری شروع می‌شود و در طول زمان به ایجاد روابط عمیق منجر می‌شود. در مرحله بعدی، فرایند همگرایی اقتصادی به صورت تبادلات فنی و تکنولوژیک آشکار می‌گردد و در صورت تداوم روابط اقتصادی بین دو مکان جغرافیایی ایران و عربستان و گذشتن از مرحله تبادلات تجاری، در مرحله پیشرفته‌تر در این مورد به سرمایه‌گذاری مشترک منجر می‌گردد. در نهایت، همگرایی اقتصادی میان ایران و عربستان، به سوی مرحله تبادلات فنی و کارشناسی و در کامل‌ترین مرحله، به همبستگی گسترده اقتصادی می‌انجامد (کریمی پور، ربیعی و یعقوبی، ۱۳۹۸: ۳۱۹). با توجه به جداول و نکات فوق، با اشاره نمود که عواملی وجود دارند که می‌توانند در همگرایی دو کشور تأثیر بسزایی داشته باشند، این عوامل عبارتند از:

الف: دیپلماسی انرژی (نفت)

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از تولیدکنندگان عظیم نفت و گاز در غرب آسیا و جهان هستند. به طوری که عربستان سعودی با داشتن حدود ۲۶۴ میلیارد بشکه و جمهوری اسلامی ایران با داشتن حدود ۱۵۱ میلیارد بشکه نفت خام اثبات‌شده، دومین و سومین دارندگان ذخایر نفتی اثبات‌شده جهان هستند (صادقی و دهقانی فیروزآبادی و آجیلی، ۱۳۹۷: ۷۵). نفت در اقتصاد دو کشور نقش مسلط را ایفا می‌کند و مهم‌ترین منبع درآمدهای ارزی و بودجه عمومی دو کشور از محل صادرات نفت تأمین می‌شود. به طوری که نزدیک به ۸۰ درصد بودجه عربستان سعودی از راه فروش نفت و گاز تأمین می‌شود، بر همین اساس برای عربستان سعودی، انرژی منشاء حیات است (متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). جمهوری اسلامی

ایران نیز سهم زیادی از بودجه خود را از طریق صادرات نفت تأمین می‌کند، به طوری که در سال‌های اخیر سهم صادرات نفت از کل صادرات، بین ۶۵ تا ۷۵ درصد بوده است. همچنین صادرات نفت منبع اصلی تأمین ارز برای واردات می‌باشد (رشیدی و موسوی، ۱۳۹۸: ۱۶۱). بر این اساس، نیازهای متقابل ایران و عربستان سعودی به درآمدهای نفتی را باید در زمره عوامل گسترش همکاری در روابط متقابل دانست. هماهنگ‌سازی روابط ایران و عربستان سعودی در حوزه دیپلماسی منابع، بخشی از ضرورت نگرش واقع‌بینانه دولت مردان این دو کشور است. درست همانند فرایند همگرایی اروپایی که با تمرکز بر منابع راهبردی ذغال سنگ و فولاد بنیان گذاشته شد (رکابیان و انگزی، ۱۴۰۰: ۱۸۷-۱۸۶). همان‌طور که فرایند همگرایی اروپایی مثال موفقی بود، همکاری در اوپک یا سایر مسائل نفتی از زمینه‌های تقویت روابط راهبردی دو کشور ایران و عربستان است؛ که طبیعتاً این همکاری منجر به روابط بهتر و روابط بهتر نیز منجر به صلح و کاهش اختلافات می‌شود.

ب: دیپلماسی حج

حج با تکیه بر عناصر مشترک هویتی مسلمانان و تقویت و تعمیق آن‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و مرزهای جغرافیایی را از بین می‌برد تا همه مسلمانان را با مالک هویتی جدیدی در مفهوم متعالی «امت اسلامی» منسجم سازد و از طریق تقویت تشابه هویتی (یگانگی درونی) از یک‌سو و تقویت حیات جمعی (پیوستگی بیرونی) ظرفیت عظیمی برای پویایی و سرزندگی امت اسلامی فراهم می‌کند و از این طریق مسلمانان را در سطوح ایدئولوژی به اتحاد فرامی‌خواند. برخی دیپلماسی عمومی را نحوه نفوذ بر مردم و افکار عمومی جوامع سایر کشورها بیان می‌کنند. با توجه به ویژگی‌های دیپلماسی عمومی دو کنشگر مهم غرب آسیا می‌توانند از طریق مراسم حج، زمینه همگرایی دو ملت و دو دولت را فراهم کنند. حتی با برگزاری کنفرانس و همایش

در ایام حج می‌توان به تبادل افکار پرداخت؛ چراکه از دیپلماسی عمومی به عنوان وسیله‌ای برای تبادل آزاد اندیشه‌ها، عقاید و اطلاعات بین جوامع یاد می‌کنند (رکابیان و انگزی، ۱۴۰۰: ۱۸۷). همچنین باید ذکر کرد که از جمله نقاط قوت مدیریت آل سعود می‌توان به اقدامات عمرانی برای توسعه مسجدالحرام و حرم نبوی و همچنین توسعه زیرساخت‌های بهداشتی، حمل‌ونقل، اسکان و ... اشاره کرد. پادشاه عربستان در سخنرانی‌های هر ساله خود به مناسبت برگزاری حج، توسعه حج و عمره و خدمت‌رسانی به ضیوف الرحمان را از اولویت‌های اصلی خود می‌داند و بر میهمان‌نوازی به وسیله ابزارهای پیشرفته و مدرن تأکید می‌کند؛ اما با توجه به برنامه‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، در پرتو ساختار نوین شهر مکه، مناسک حج به کارناوالی نیمه مذهبی - نیمه تفریحی تبدیل شده و ابعاد سیاسی حج به شدت محدوده و بیشتر جنبه فرهنگی و اقتصادی به خود خواهد گرفت. در نتیجه می‌توان گفت که شاهد تکرار اتفاقاتی چون تعطیلی حج عمره ایرانیان یا کم کردن ظرفیت حجاج یمن، سوریه، قطر و ... نخواهیم بود؛ زیرا سیاست‌های آل سعود اقتصادمحور می‌شود و ایدئولوژی در درجه چندم اهمیت قرار می‌گیرد (فهیمی، ۱۴۰۰: ۲۱۸-۲۱۵)؛ که این امر به نوبه خود موجب نزدیکی و صلح بیشتر دو کشور به یکدیگر خواهد شد.

پ: همکاری‌های زیست محیطی

آلودگی محیط‌زیست که بی‌توجهی به آن می‌تواند حیات بشر و بقای او را تهدید کند، موضوعی است که سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی به آن توجه کرده‌اند. به طوری که خلیج فارس به علت عمق کم، شوری آب، گرمی هوا، ارتباط محدود با آب‌های آزاد جهان و مسائل ناشی از بهره‌برداری منابع فراوان انرژی آن،

اکوسیستم ویژه‌ای دارد. این ویژگی سبب شده است تا در برابر منابع آلوده‌کننده به شدت آسیب‌پذیر باشد. یکی از تهدیدات علیه کشورهای ساحلی خلیج فارس آلودگی محیط زیستی و نفتی این پهنه آبی به واسطه تردد پرتراکم نفت‌کش‌ها است. آلودگی این منطقه می‌تواند زندگی افراد را با مشکل مواجه کند و منشاء بیماری باشد. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو کشور بزرگ و تأثیرگذار این منطقه، دارای منافع مستقیم در رابطه با محیط‌زیست خلیج فارس هستند و آلودگی زیست‌محیطی این منطقه می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر ساکنان ساحلی سرزمینشان تأثیر بگذارد، همچنین می‌تواند به عنوان یک تهدید مشترک و به عنوان یک بستر برای همکاری و همگرایی این دو کشور در مسائل زیست‌محیطی این منطقه قرار گیرد و نقش عوامل تنش‌زا در روابط دو کشور را کاهش دهد (رکابیان و انگزی، ۱۴۰۰: ۱۸۸-۱۸۷).

ت: فلسطین؛ محور همگرایی اسلام

مسئله فلسطین - رژیم صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ م تا به امروز کانون مبارزه با رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود و به حمایت از ملت فلسطین پرداخت؛ ملتی که سران کشورهای عربی با امضاء پیمان کمپ‌دیوید به آن خیانت کردند. اما امام خمینی (ره) با ابهت و شهامت تمام به مبارزات ملت فلسطین، هویت اسلامی بخشیدند. در مقابل نیز عربستان سعودی برای چندین دهه، مدافع حق تشکیل کشور مستقل فلسطین و منتقد اشغال غزه توسط رژیم صهیونیستی بوده است (آدمی، نظیفی نائینی و بیژن، ۱۳۹۷: ۱۹۰). بر این اساس رژیم صهیونیستی به عنوان یک تهدید مشترک برای منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. علی‌رغم گزارش‌ها مبنی بر افزایش همکاری اطلاعاتی عربستان سعودی و رژیم

غاصب اسرائیل بعد از توافق آبراهام (عادی‌سازی مناسبات رژیم صهیونیستی- اعراب)، ریاض و تهران هنوز مسئله فلسطین را مهم دانسته و نگران کنترل رژیم صهیونیستی بر اماکن مقدس مسلمانان و توسعه طلبی این رژیم در کرانه باختری و همچنین توانمندی‌های تسلیحات هسته‌ای اعلام‌نشده اسرائیل هستند (Fathollah Nejad, 2016: 25). در نتیجه می‌توان به جرئت گفت که مسئله سرزمین‌های اشغالی، همچنان به عنوان «پاره تن جهان اسلام»، موجب جبهه‌بندی مشترک مسلمانان در مقابل رژیم صهیونیستی می‌گردد که این امر به‌خودی‌خود، زمینه همگرایی بیشتر جامعه اسلامی، به‌ویژه ج.ا.ایران و عربستان سعودی را فراهم می‌آورد.

جدول ۱: سیر زمانی وقایع تأثیرگذار در روابط بین ایران و عربستان سعودی

تاریخ روابط دو کشور	سال	حوادث تأثیرگذار
مرحله اول	آغاز روابط	۱۹۲۹ آغاز روابط سیاسی
	روابط مسالمت‌آمیز	۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷ بستن عهدنامه مودت و روابط به نسبت مسالمت‌آمیز
	دوران افول در روابط همراه با افزایش تنش	۱۹۳۷ تا ۱۹۴۳ دوران افول (تزلزل) روابط - تعطیل کردن سفارت ایران در حجاز و نجد و کاهش سطح روابط دیپلماتیک - ممنوعیت حج به دلیل بی‌احترامی سعودی‌ها به زائران ایرانی
	قطع روابط	۱۹۴۳ تا قطع روابط سیاسی به دلیل اعدام زائر ایرانی توسط سعودی‌ها

	سیاسی	۱۹۴۸	
آغاز دوباره روابط سیاسی، ارسال نامه عبدالعزیز (پادشاه سعودی) مبنی بر برقراری	آغاز روابط	۱۹۴۸	
روابط مسالمت‌آمیز با کمترین تنش در روابط به‌جز دو مورد مناقشه یکی مناقشه بر سر نام خلیج فارس و دیگری مسئله بحرین که در هر دو مورد فقط در حد یک بیانیه مناقشه به پایان رسید.	روابط مسالمت‌آمیز	۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹	
آغاز تنش در روابط با انقلاب اسلامی در ایران و راهبرد صدور انقلاب در منطقه از طرف ایران	مرحله دوم دوران افول در روابط همراه با افزایش تنش	۱۹۷۹	
همکاری عربستان با آمریکا در واقعه طبس		۱۹۸۰	
حمایت مالی و سیاسی عربستان از صدام حسین در جنگ با ایران		۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸	
تشکیل شورای همکاری خلیج فارس توسط عربستان و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای واکنش امنیتی در مقابل انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق		۱۹۸۱	
جنگ نفت کش‌ها، حمله عربستان به جنگنده ایرانی در خلیج- فارس و بعد از آن ایران نیز به یک نفت کش سعودی در نزدیکی سواحل قطر حمله کرد.		۱۹۸۴	

<p>در مراسم براثت از مشرکین در ۳۱ جوالی ۱۹۸۷ حاجیان ایرانی شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل سر می‌دهند که با حمله و تیراندازی پلیس عربستان ۴۰۲ نفر کشته می‌شوند که ۲۷۵ نفر از آن‌ها ایرانی بودند. پس‌ازاین واقعه عده‌ای از مردم خشمگین تهران، سفارت عربستان را اشغال و سفارت کویت را به آتش کشیدند و سفیر عربستان «مصعد الغمادی» زخمی و در راه بیمارستان فوت می‌کند</p>	۱۹۸۷		
<p>قطع یک جانبه روابط سیاسی عربستان با ایران</p>	<p>آوریل ۱۹۸۸</p>	<p>قطع روابط سیاسی</p>	
<p>حمله عراق به کویت و اعلام بی‌طرفی ایران در این جنگ</p>	۱۹۹۰	<p>کاهش تنش در روابط</p>	
<p>بازگشایی سفارت‌خانه‌های ایران و عربستان</p>	۱۹۹۰	<p>آغاز روابط</p>	
<p>روابط مسالمت‌آمیز و افزایش بهبود مناسبات در این دوران، مهم‌ترین اتفاق در این دوران امضای قراردادی امنیتی در ۱۸ آوریل ۲۰۰۱ بود.</p>	<p>۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵</p>	<p>روابط مسالمت‌آمیز</p>	
<p>انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری ایران و انتقادهای تند او علیه حاکمان عرب و تحریک مردم منطقه برای شورش علیه آن‌ها</p>	۲۰۰۵		
<p>توقف عمره به دلیل برخورد و بدرفتاری با زائران ایرانی</p>	۲۰۰۵		

<p>مواضع متفاوت دو کشور ایران و عربستان در مورد جنگ ۳۳ روزه</p>	<p>۲۰۰۶</p>	<p>دوران افول در روابط همراه با</p>	<p>مرحله سوم</p>
<p>آغاز انقلاب‌های عربی و افزایش تنش در روابط و تضاد در سیاست خارجی دو کشور بعد از این حوادث در مورد کشورهای بحرین، سوریه، مصر و ...</p>	<p>۲۰۱۰</p>	<p>افزایش تنش</p>	
<p>حمایت ایران از اعتراض‌ها در بحرین در دوران بهار عربی متهم کردن ایران به تحریک مردم توسط عربستان و فرستادن نیرو به بحرین، متهم کردن سپاه قدس به ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا</p>	<p>۲۰۱۱</p>		
<p>آغاز اعتراضات در استان شرقی شیعه‌نشین عربستان سعودی که بازهم عربستان ایران را عامل تحریک این اعتراضات می‌داند، گردن زدن ۱۸ ایرانی به جرم مواد مخدر توسط عربستان</p>	<p>۲۰۱۲</p>		
<p>در سال ۲۰۱۴ نیروهای شیعه انصار الله (الحوثی) با تسلط بر بخش‌های از یمن، اداره کشور را در دست گرفتند که با دخالت نظامی عربستان در مارس ۲۰۱۵ روبه‌رو شد، دستگیری روحانی شیعه شیخ نمر النمر، تعرض به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده، سپتامبر ۲۰۱۵ کشته شدن حدود ۴۰۰ نفر ایرانی در زمان انجام مناسک حج، مخالفت عربستان با توافق برجام، عربستان با افزایش میزان تولید نفت و در مخالفت با سیاست‌های اوپک منجر به کاهش قیمت از بشکه- ای ۱۱۰ دلار به بشکه‌ای ۳۰ دلار در ژانویه ۲۰۱۶ شد.</p>	<p>۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵</p>		

<p>قطع روابط سیاسی-در ژانویه ۲۰۱۶ عربستان شیخ نمر را اعدام کرد که این مسئله سبب اعتراض عده‌ای در ایران و حمله سفارتخانه عربستان در تهران کردند و آن را آتش زدند که به موجب این اقدام عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کرد.</p>	۲۰۱۶		
<p>اوج تنش در روابط ایران و عربستان، درگیری دو کشور در جبهه‌های مختلف با گروه‌های نیابتی خود در یمن، سوریه، عراق، افزایش جنگ لفظی بین مقامات دو کشور</p>	۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸		
<p>با انتخاب پسر پادشاه عربستان «محمد بن سلمان» (که مسئولیت جنگ و کشتار یمن را نیز بر عهده داشت و از ضرورت کشیدن جنگ به داخل ایران سخن گفته بود) با انتخاب او جنگ لفظی بین دو کشور و شرایط سیاسی بدتر می‌شود.</p>	مه ۲۰۱۷		
<p>عملیات تروریستی در مجلس و مرقد امام خمینی در تهران که ایران عربستان را مسئول این واقعه خواند.</p>	مه ۲۰۱۷	کاهش تنش در روابط	مرحله چهارم
<p>سقوط داعش - شدت گرفتن درگیری‌ها در یمن و شروع حملات محدود حوثی‌های مورد حمایت ایران به داخل عربستان و هدف قرار دادن مراکز حیاتی</p>	۲۰۱۷		
<p>خروج آمریکا از برجام در مه ۲۰۱۸ با تحریک عربستان که سبب تضعیف اقتصاد ایران و افزایش تنش در روابط و درگیری‌های محدود در خلیج فارس شد مانند هدف قرار گرفتن چندین کشتی تجاری و نفت کش از سوی منبعی نامشخص، خرابکاری در ۴ کشتی در فجیره امارات، انفجار</p>	تا ۲۰۱۸		

<p>دو نفت کش در دریای عمان، حمله به تأسیسات نفتی آرامکوی عربستان توسط حوثی‌های مورد حمایت ایران، حمله به نفت کش ایرانی در دریای سرخ، افزایش اعتراض‌ها در عراق و لبنان و استعفای دولت‌های آن‌ها بر اثر زبر فشار قرار گرفتن از سوی معترضان که از طرف عربستان و آمریکا تحریک شده بودن، آتش زدن سفارت ایران در عراق توسط معترضان عراقی در بغداد، حملات هوایی به پایگاه‌های آمریکای در عراق توسط گروه‌های وابسته به ایران و ...</p>	<p>۲۰۱۹</p>		
<p>حمله به پهپاد آمریکای توسط ایران، کاهش تنش لفظی در اظهار نظر مقامات دو کشور، کاهش چشمگیر تعداد نیروهای اماراتی در جنوب یمن، سفر هیئت صلح امارات به ایران</p>	<p>ژوئن ۲۰۱۹</p>		
<p>پیشنهاد صلح هرمز به کشورهای حوزه خلیج فارس از طرف حسن روحانی، رئیس جمهور ایران در سازمان ملل</p>	<p>سپتامبر ۲۰۱۹</p>		
<p>به شهادت رسیدن فرمانده سپاه قدس، سردار سلیمانی در عراق که بنا به سخن نخست‌وزیر عراق، شهید سلیمانی حامل پیام ایران در مورد روابط با عربستان بوده است، اعلام بی‌طرفی و خویشتن‌دار عربستان در واقع ترور سردار سلیمانی و حتی درخواست از آمریکا که آن‌ها را وارد جنگ نکند، خروج ایران از برجام، برگزاری مجمع گفت‌وگوی تهران با محوریت طرح صلح هرمز و حضور برخی کشورهای منطقه خلیج فارس و همچنین پیشنهادات وزیر خارجه ایران به کشورهای منطقه برای صلح در خلیج فارس</p>	<p>ژانویه ۲۰۲۰</p>		
<p>از سرگیری روابط دیپلماتیک، مذاکرات ایران و عربستان که در سطوح امنیتی چندین بار صورت گرفته است و نتایج مثبتی</p>			

<p>از هر دو طرف گزارش شده است اما اختلافات دو کشور متعدد و پیچیده است که حل و فصل آن ساده به نظر نمی‌رسد. تبلیغات منفی دو کشور علیه یکدیگر کاهش پیدا کرده است. همچنین در حوزه یمن عملیات‌ها چه از سوی عربستان و چه از سوی انصارالله کاهش یافته است.</p>	۲۰۲۱		
---	------	--	--

منبع: زارعی دارام رودی، محمدی و عزیززاده طسوج، ۱۴۰۱: ۹۷-۹۵.

توافق ج.ا.ایران و عربستان سعودی؛ تاثیر آن بر صلح‌گرایی منطقه‌ای

ایران و عربستان بعد از هفت سال قطعی روابط و انجام ۵ دور مذاکره بین دو کشور در بغداد، در روز جمعه ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۱، طی بیانیه‌ای مشترک، خبر از حصول توافق بین دو کشور برای ازسرگیری روابط دادند؛ موضوعی که اثرات آن محدود به روابط تهران و ریاض نیست و تأثیرات گسترده منطقه‌ای به همراه خواهد داشت. در پایان مذاکرات فشرده سه جانبه، بیانیه‌ای نیز صادر شده که تصریح می‌کند جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی توافق کرده‌اند حداکثر ظرف مدت دو ماه، روابط دیپلماتیک خود را از سر بگیرند و سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌ها- هایشان را بازگشایی کنند. در عین حال، در قالب بیانیه مذکور، به این نکته اشاره شده که ایران، عربستان و چین، اراده قاطع خود را جهت به کارگیری تمامی تلاش‌ها برای تقویت صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی اعلام می‌دارند.

بلافاصله پس از اعلام حصول توافق میان تهران و ریاض در قالب مذاکرات سه جانبه در چین برای ازسرگیری روابط عادی دیپلماتیک، جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی، تحلیل و تفسیرهای مختلفی را در این رابطه مطرح ساختند و این رویداد را تحولی مهم با تبعات و پیامدهای قابل توجه به‌ویژه در صحنه معادلات سیاسی و امنیتی خاورمیانه ارزیابی کردند. در این میان اینکه سعودی‌ها به عنوان یکی از متحدان راهبردی و اصلی آمریکا در خاورمیانه، به میانجی‌گری چین

در زمینه تنش‌زدایی از روابط دوجانبه با ایران تغییر موضع دادند نیز خود حامل پیام‌های خاصی است و از تضعیف مفراط راهبردها و سیاست‌های دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه حکایت دارد. با این حال، محاسبات راهبردی سعودی‌ها و ایجاد این درک در ریاض که تداوم سیاست‌های خصمانه آن‌ها علیه ایران، بیش از آنکه حامل مزایا و امتیاز برای آن‌ها باشد، حامل خسارت است سبب شده تا رژیم سعودی تعامل با تهران را بر تقابل ترجیح دهد و بار دیگر کانال‌های دیپلماتیک با ایران را نیز فعال سازد. در این میان، کوچ شبکه ایران اینترنشنال از انگلستان به آمریکا نیز یکی از نمودهای حُسن نیت سعودی‌ها در ارتباط با ج.ا.ایران بوده است. البته که در سطح کلان منطقه‌ای نیز باید توجه داشته باشیم که نیاز عربستان به ایجاد آتش‌بس در قالب جنگ یمن هم نقشی قابل توجه در اتخاذ سیاست تنش‌زدایی با ایران داشته است.

در واقع، سعودی‌ها سعی داشته و دارند که با استفاده از نفوذ ایران در میان حوثی‌های یمنی، زمینه را جهت ایجاد آتش‌بس با این جنبش فراهم سازند و عملاً به جنگ ۸ سال یمن، خاتمه دهند. مسأله‌ای که در بطن خود صلح و همکاری منطقه‌ای را نیز به همراه دارد. در نهایت باید گفت که توافق اخیر ایران و عربستان سعودی با محوریت تنش‌زدایی از روابط دوجانبه و از سرگیری روابط دیپلماتیک، نویدبخش ایجاد صلح جغرافیایی منطقه‌ای مطلوب‌تر است. همچنین باید اشاره نمود که دولت سیزدهم از زمان روی کار آمدن، تمرکز ویژه‌ای را بر توسعه روابط با همسایگان ایران و البته گسترش روابط خارجی کشورمان و استفاده از ظرفیت‌های تازه و جدی در این حوزه داشته است.

در این چهارچوب، عادی‌سازی روابط میان تهران و ریاض پس از سال‌ها تنش در روابط دو کشور می‌تواند زمینه‌های مناسبی را از حیث فعال‌سازی ظرفیت‌های قدرت ساز در اختیار طرفین قرار دهد و بنیان‌های امنیت منطقه‌ای را نیز بیش از گذشته تحکیم کند. البته که در این میان تقویت خطوط ارتباطی دیپلماتیک میان تهران و ریاض نیز می‌تواند تا حد زیادی روند حل و فصل چالش‌ها و تنش‌های منطقه‌ای را

تسهیل کند. مسأله‌ای که البته ایران بارها و بارها در گذشته نیز بر آن تاکید داشته و حرکت کنونی عربستان به سمت این طرز تفکر، نشان از ایجاد یک تغییر راهبردی در سیاست خارجی عربستان سعودی در مداری دارد که می‌تواند حامل منافع قابل توجهی برای همگان به دنبال داشته باشد (خبر آنلاین، ۱۴۰۲/۰۲/۲۲).

در صورتی که روابط دو کشور نامبرده در راستای نزدیکی به یکدیگر "در راستای روابط استراتژیک" باهم قرار گیرد (که اراده طرفین هم این‌گونه است)، مزایای بسیاری برای منطقه غرب آسیا و دو قدرت مذکور دارد.

از جمله مزایای این همکاری‌ها و تعاملات می‌توان به:

۱. حل و فصل و خروج از بحران یمن با کمک ج.ا.ایران برای عربستان سعودی و کاهش جبهه‌بندی‌ها در این جنگ که صلح مثبتی را در منطقه غرب آسیا را در پی خواهد داشت؛
۲. افزایش قدرت چانه‌زنی و اتخاذ موضع برتر ج.ا.ایران در ادامه مذاکرات برجامی
۳. کاهش هزینه‌کردهای نظامی کشورهای منطقه به علت عدم جوّ نگرانی و بی‌اعتمادی به یکدیگر؛
۴. برطرف نمودن تضاد منافع دو قدرت نامبرده از طریق مذاکرات، نه جبهه-بندی علیه یکدیگر؛
۵. برطرف شدن دیدگاه منفی برخی از کشورهای عربی نسبت به سیاست‌های ج.ا.ایران؛
۶. تمرکز و اتحاد کشورها منطقه غرب آسیا در مقابل دشمن اصلی (نابودی رژیم صهیونیستی)؛

۷. برطرف نمودن نیازهای اقتصادی یکدیگر با فعال نمودن دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای در زمینه‌های صنعت نفت و پتروشیمی، محصولات غذایی، مسکن، بازاریابی و سرمایه‌گذاری و... (عذیری، ۱۴۰۰/۷/۵).
۸. در آینده سیاسی منطقه، بندرت جنگ‌های نیابتی رخ خواهد داد.
۹. هزینه‌های نظامی کشورها کاهش خواهد یافت،
۱۰. رفت و آمد و تجارت بهتر به مراتب راحت‌تر صورت خواهد پذیرفت،
۱۱. منطقه غرب آسیا در عرصه بین‌المللی حرف و توان بیشتری به نسبت قبل در برابر سایر تمدن‌ها و قدرت‌ها خواهد داشت،
۱۲. حمله خارجی به یکی از کشورهای اسلامی، دیگر صورت نخواهد گرفت و در صورت انجام؛ هزینه جنگ برای کشور متخاصم بسیار زیاد خواهد بود.
۱۳. احیای روند بازسازی اقتصادی-سیاسی کشورهای عراق، سوریه، یمن، افغانستان، پاکستان، لبنان،
۱۴. خروج منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) از روند امتیازگیری قدرت‌های فرامنطقه‌ای از هم (خروج از زمین‌بازی قدرت‌ها) (عذیری، ۱۴۰۲/۰۱/۲۶).

جمع‌بندی

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند. مطالعه الگوی روابط ژئوپلیتیک این دو کشور می‌تواند گامی در راستای شناخت تحولات در این مناطق ژئوپلیتیک باشد. در حالی که در دوران پیش از انقلاب تهدیدات مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی، ایفای نقش در دکترین دوستونی منطقه‌ای و اتحاد با ایالات متحده آمریکا در سه سطح داخلی، منطقه‌ای بین‌المللی به شکل‌گیری تعامل ژئوپلیتیکی میان ایران و عربستان سعودی منجر شده بود، وقوع انقلاب اسلامی الگوهای رفتاری متفاوتی را بر روابط ایران و سعودی حاکم کرد. ورود عنصر اسلام شیعی کُدهای ژئوپلیتیک ایران به تمایز فرقه‌ای و رقابت ایدئولوژیک میان ایران شیعه و عربستان سنی / وهابی منجر شد (موسوی شهیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۷۴). اما همان‌طور که اشاره شد، کشور عربستان سعودی با توجه به موقعیت جغرافیایی بی‌نظیرش و ظرفیت‌های بالایی که دارد می‌تواند صلح و همکاری منطقه‌ای را شدت بخشیده و فرایند صلح‌گرایی منطقه‌ای را به ارمغان بیاورد؛ اما درگیری و نبرد این دو قدرت منطقه‌ای نخست پای ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای را به منطقه باز می‌کند؛ و نیز احساس تهدید دو قدرت منطقه‌ای از یکدیگر سبب رقابت تسلیحاتی می‌شود که می‌تواند این بودجه و امکانات، در حوزه‌هایی همچون اقتصاد، بهداشت و نظایر آن بکار گرفته شود. برنده این مبارزه تسلیحاتی هم کارخانه‌های اسلحه‌سازی شرق و غرب هستند؛ اما در شرایط فعلی بهترین و سریع‌ترین راهکار موجود "استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر" می‌باشد. این راه کار در عمل باعث صلح و وابستگی بیشتر این دو قدرت بزرگ منطقه‌ای به یکدیگر می‌گردد. با توجه به قرارگیری دو کشور در موقعیت‌های بی‌نظیر در غرب آسیا، می‌توانند نقش مکمل و بی‌همتایی را برای هم ایفا نموده و حتی نویدبخش همسو شدن (دست‌کم، برطرف کردن اختلافات) کشورهای منطقه غرب آسیا باشد.

منابع

- ابراهیم، فؤاد (۱۳۹۵) سلفیت جهادی در عربستان سعودی، مترجم: علیرضا فرازی، تهران: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع).
- استنسیلی، استیگ (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی سیاسی قدرت در عربستان، مترجم: نبی‌اله ابراهیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افضلی، رسول و سجاد نجفی (۱۳۹۷) تبیین شاخص‌های کلیدی تأثیرگذار بر روابط ایران و عربستان در افق زمانی ۱۴۰۷، آینده‌پژوهی دفاعی، سال سوم، شماره ۹.
- اکبر، سید عبدالله (۱۳۸۸) نگاهی به اهداف و ساختار شورای همکاری خلیج فارس، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۳۵.
- آدمی، علی، نازنین نظیفی نایینی و عارف بیژن (۱۳۹۷) اسرائیل و عربستان سعودی؛ عصر جدیدی از همکاری دوجانبه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۲۱۶-۱۸۹.
- بروجردی، مصطفی و مه سیما عبداللہیان (۱۴۰۱) مؤلفه‌ها و مبانی نظم منطقه‌ای مطلوب عربستان سعودی در غرب آسیا (۲۰۲۰-۲۰۱۵)، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۰، صص ۱۰۱-۸۵.
- پوراحمدی، حسین، صابر قیاسی و یاسر قائمی (۱۴۰۰) واکاوی قدرت نفوذ عربستان سعودی در منطقه و جهان اسلام و راهبرد مقابله با ایران، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۳ (پیاپی ۶۵).
- جاودانی مقدم، مهدی و حامد حریر فروش (۱۳۹۶) واکاوی زمینه‌ها و ابعاد سیاست خارجی نوین عربستان در خاورمیانه، فصلنامه سپهر سیاست، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۷۴-۵۱.
- رشیدی، احمد و سید صالح موسوی (۱۳۹۸) درآمدهای نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، شماره اول، صص ۱۸۱-۱۵۳.
- رکابیان، رشید و رسول انگزی (۱۴۰۰) تأثیر همگرایی و واگرایی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بر سیاست خارجی دولت آمریکا در قبال ایران (با تأکید بر راهکارهای

رسانه‌ای)، پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، سال ششم، شماره دوم.
زارعی دارام رودی، هوشمند، حمیدرضا محمدی و محسن عزیز زاده طسوج (۱۴۰۱) تحلیل ژئوپلیتیک الگوهای رفتاری مبتنی بر تنازع و تعامل در روابط ایران و عربستان سعودی، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال چهارم، شماره دوازدهم، تابستان. زراعت پیشه، نجف (۱۳۸۴) برآورد استراتژیک عربستان، تهران: مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

صادقی، اکبر، سید جلال دهقانی فیروزآبادی و هادی آجیلی (۱۳۹۷) بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌المللی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز، صص ۱۰۵-۷۳.

فهیمی، علی اکبر (۱۴۰۰) آینده پژوهی تأثیر سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان بر مدیریت حج، پژوهش‌نامه حج و زیارت، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۲، صص ۲۳۵-۲۰۳.
کریمی پور، یدالله، حسین ربیعی و احمد بزله (۱۳۹۶) تبیین بنیادهای جغرافیایی صلح در خاورمیانه (مطالعه موردی: ایران، ترکیه و عربستان)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره سوم.

کریمی پور، یدالله، حسین ربیعی و سید محمد یعقوبی (۱۳۹۸) بررسی زمینه‌های همگرایی و واگرایی ایران و عربستان در چارچوب جغرافیای صلح، فصلنامه علمی-پژوهشی، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال یازدهم، شماره چهارم.
متقی، ابراهیم، امیر رضانی و فاطمه نکو لعل آزاد (۱۳۹۵) نقش منابع و اقتصاد انرژی در گسترش رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین-الملل، دوره شماره ۲۰، صص ۳۷-۱۵.

محمدی آشنانی، علی (۱۳۸۱) درس‌نامه شناخت عربستان و وهابیت، تهران: مشعر.
موسوی شهیدی، سید مهدی و همکاران (۱۴۰۱) چرخش روابط ایران و عربستان در دو بعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیک و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها، پژوهش جغرافیای انسانی، دوره ۵۴، شماره ۲، صص ۴۷۸-۴۷۵.

نصیری، عبدا... (۱۳۸۶) آشنایی با عربستان، تهران: مشعر.
ویسی، هادی (۱۳۹۷) واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیک رابطه شورای همکاری خلیج فارس با

جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر جهان اسلام، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵.

عابدی، سجاد (۱۴۰۲/۰۲/۲۲) عربستان؛ از دیوار چین تا میدان آزادی، خبرگزاری خبر آنلاین، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵، قابل دسترس به آدرس اینترنتی: <https://www.khabaronline.ir/news/1765104/>

عذیری، وحید (۱۴۰۲/۰۱/۲۶) دورنمایی از روابط نزدیک، خبرگزاری خبر آنلاین، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶، قابل دسترس به آدرس اینترنتی: https://www.khabaronline.ir/news/1754496

عذیری، وحید (۱۴۰۰/۰۷/۵۰) ذوب شدن یخ روابط ایران و عربستان، خبرگزاری دنیای اقتصاد، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵، قابل دسترس به آدرس اینترنتی: <https://donya-e-eqtasad.com/62/3802255>

Alanazi, Abdullah Khuliyf A. (2015) "Saudi Arabia's Implementation of Soft Power Policy to Confront Iran's Obvious Threats", Naval Postgraduate School Monterey, California.

Fathollah-Nejad, Ali (2016) "German-Iranian Relations after the Nuclear Deal: Geopolitical and Economic Dimensions", Insight Turkey, Vol. 18, No. 1, pp. 59-75.

Golkarami, Abed, Karimipour, Yadollah, Mottaghi, Afshin (2017). Explanation of The Islamic Republic of Iran's foreign policy with emphasizing on Geo-Economic Possibilities [In Persian]. Journal of Practical Researches in Geographical Sciences. Vol. 18,

Grumet, Tali R. and Joseph Szyliowicz (2015) "New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry" University of Denver Digital Commons @ DU: <http://digitalcommons.du.edu/etd>.

Hafeznia, Mohammadreza (2016) National Power and its measurement [In Persian]. Tehran: Entekhab Publication.

Karimipour, Yadollah (2009) Iran and Neighbors: Tensions and Threats Sources [In Persian]. Tehran: Jahad Daneshgahi Publication.

Moshkbid, Elahe (2017) Explanation of Iran's Regional Development moods based on the peace Geopolitics [In Persian]. Doctoral Thesis in Political Geography. Tehran: University of Tehran